

## بررسی حقوقی جامعه مدنی در ایران:

### با تاکید بر اصناف و گروه‌های زنان<sup>۱</sup>

سمانه رحمتی فر\*

#### چکیده

دموکراسی رابطه ایجاد می‌کند. بنابراین انتظار می‌رود دموکراسی خواهی در بعد تنوریک و عملی بحث و تحقق جامعه مدنی را به دنبال داشته باشد و به موازات تعمیق و گسترش خود به آن قوام ببخشد. به نظر می‌رسد در ایران به رغم سابقه صد ساله قانون گذاری توسط نمایندگان مردم یعنی حضور غیرمستقیم شهروندان در تصمیم گیری‌ها، جامعه مدنی حتی در سطح دانشگاهی و پژوهشی نسبتاً نو پا است. در مقاله پیش رو تلاش می‌شود با رویکرد حقوقی- تاریخی وضعیت کنونی جامعه مدنی در ایران و علل تاخیر استقرار آن و راه طی شده توسط اصناف و گروه‌های زنان بررسی شود.

**کلید واژه‌ها:** جامعه مدنی، سازمان‌های غیر دولتی، اصناف، زنان.

---

تاریخ پذیرش: ۱۳۸۹/۱۲/۲۲

<sup>۱</sup> تاریخ دریافت: ۱۳۸۹/۸/۱۱

\* عضو هیات علمی دانشگاه آزاد اسلامی واحد همدان.

جامعه مدنی و دموکراسی ارتباط نزدیکی با یکدیگر دارند؛ هر زمان مطالبات دموکراتیک مردمی افزایش یابد، گفتمان جامعه مدنی نیز رواج می‌گیرد. ایران در این مورد استثنا نیست و از زمانی که مردم دریافته‌اند که آنچه به دنبال آن هستند مشارکت در اداره امور یعنی دموکراسی است به لزوم متشکل شدن پی برده‌اند و هر زمان پایه دموکراسی قوی‌تر به نظر رسیده جامعه مدنی نیز گستره بیشتری یافته است.

در میان تشکل‌های جامعه مدنی در ایران دو مورد بنا به دلایلی حایز اهمیت بیشتری است: اصناف و تشکل‌های زنان. اصناف به لحاظ تاریخی مقدم بر جامعه مدنی هستند و از نمونه‌های قابل بررسی کار جمعی اجتماعی محسوب می‌شوند و فراز و نشیب آن‌ها می‌تواند گویای نقاط ضعف و قوت جامعه مدنی در ایران باشد. اصناف در بازه مورد تحقیق، یعنی پس از مشروطه - به صورت متشکل در معادلات سیاسی - اجتماعی وارد شده‌اند و به شهادت تاریخ، در انقلاب مشروطه و تحولات پس از آن نقش ویژه‌ای را بازی کرده‌اند. اصناف با کارکرد دوگانه اجتماعی - اقتصادی<sup>۲</sup> و ساختار غیرحکومتی خود در دو حوزه اقتصادی و اجتماعی بر تصمیمات حکومت تأثیر می‌گذارند. تشکل‌های زنان اصولاً زاده مشروطه‌خواهی و بیداری مردم ایران هستند و مناسبات تمام افراد جامعه را اعم از زن و مرد صرف نظر از جنسیت به نوعی تحت تأثیر قرار می‌دهند و محدود به زنان نمی‌مانند. این تشکل‌ها در حال حاضر به حدی گسترده‌گی یافته‌اند که از جمله مسایل شهروندی جهانی و جامعه مدنی جهانی به شمار می‌روند و دغدغه مشترکی محسوب می‌شوند که افراد جوامع ملی و محلی را به جامعه مدنی جهانی گره می‌زنند.<sup>۳</sup>

در این تحقیق تلاش بر این بود با دو شاخص تعداد نهادهای مردمی فعال و سال‌های فعالیت آن‌ها<sup>۴</sup>، میزان توسعه‌یافتگی جامعه مدنی در ادوار پس از مشروطه در ایران مستند به داده‌های آماری مشخص شود، ولی این هدف به دلیل نبود آمار منسجم جز در مورد احزاب و تأکید تحقیق بر نهادهای غیرسیاسی ممکن نشد.

## ۱. جامعه مدنی چیست؟

با گسترش روزافزون نهادهای واسطه امروز کمتر کسی با شنیدن تعریف لئون دوگی از جامعه سیاسی به عنوان مجموعه دربرگیرنده فرمانروایان و فرمانبرداران، خلأ رکن سومی را در آن احساس نمی‌کند؛ رکنی که نه الزاماً فرمان می‌برد و نه فرمان می‌دهد. تعاریف گوناگونی از جامعه مدنی ارائه شده‌است؛ از جمله هگل بر این باور است که «جامعه مدنی شامل تمامی مناسبات اجتماعی و خانوادگی می‌شود که در خارج از ساخت سیاسی و قضایی حکومت قرار دارد و ذاتاً حوزه‌ای از فردگرایی نامحدود است». به نظر می‌رسد هگل قائل به یک تقسیم‌بندی دوگانه جامعه مدنی - حکومت است. به نظر مارکس «واژه جامعه مدنی در قرن هجدهم ظاهر شد وقتی که مناسبات مالکیت خود را از جامعه باستانی قرون وسطایی رها کرده بود. جامعه مدنی به این معنا فقط به همراه بورژوازی می‌آید».<sup>۵</sup> نویسنده دیگری معتقد است: «[امروز] جامعه مدنی شامل همه حوزه‌هایی است که پس از تعیین و تجزیه دولت باقی می‌ماند. حوزه‌ای است که در آن کشمکش‌های اجتماعی، اقتصادی و ایدئولوژیک واقع می‌شوند و دولت می‌کوشد آن منازعات را از طریق وساطت یا سرکوب حل کند».<sup>۶</sup> دورکیم در این باره می‌نویسد: «دولت وقتی می‌تواند یک عامل بازدارنده باشد که از منافع توده افراد در جامعه مدنی منفک شده

<sup>۲</sup>. کارکرد اصناف هدایت امور اعضایی است که فعالیت اقتصادی می‌کنند و این به معنای غیر انتفاعی نبودن صنف نیست.

<sup>۳</sup>. از جمله نمادهای این تحول انجمن فراملی [Development Alternatives with Women for a New Era \(DAWN\)](#) متشکل از زنان روشنفکر جهان سوم می‌باشد.

<sup>۴</sup>. برای مطالعه معیارها رک. ساعی، علی، *دموکراتیزاسیون در ایران*، تهران، انتشارات آگاه، چاپ یکم، ۱۳۸۶، ص. ۸۶.

<sup>۵</sup>. علم، محمدرضا، «بررسی موانع تاریخی استقرار جامعه مدنی در ایران با تکیه بر ناکارآمدی نخبگان»، پژوهش‌نامه دانشکده ادبیات، ش. ۳۸، صص ۶-۵.

<sup>۶</sup>. بشیریه، حسین، *جامعه‌شناسی سیاسی نیروهای اجتماعی در زندگی سیاسی*، تهران، نشر نی، چاپ شانزدهم، ۱۳۸۷، ص ۳۳۲.

باشد و این وقتی اتفاق می‌افتد که گروه‌های ثانویه که بین فرد و دولت قرار می‌گیرند کاملاً توسعه یافته نباشند. فقط وقتی این گروه‌ها به قدر کافی نیرومند باشند و عامل متعادل‌کننده‌ای در برابر دولت بسازند می‌توانند از حقوق افراد محافظت کنند.<sup>۷</sup> بنابراین دورکیم جامعه مدنی را نهاد واسط بین جامعه و حکومت و تأمین‌کننده نظارت شهروندان بر حکومت می‌داند.

در تحقیق حاضر نیز برداشت اخیر مورد پذیرش است؛ با این تعریف که جامعه مدنی محدوده‌ای از زندگی عمومی ولی خارج از حیطه حکومت است و نقش نهاد واسط میان جامعه (زندگی خصوصی افراد) و حکومت را با محوریت کارکرد نظارتی بازی می‌کند و از طریق نهادهای غیرسیاسی، ناسودبر و غیرحکومتی (مردم خاسته) شهروندان را در برابر حکومت نمایندگی می‌کند. عمل جامعه مدنی معطوف به قدرت نیست<sup>۸</sup> و تنها به دنبال تأثیرگذاری بر قدرت و انسانی کردن رابطه حکومت و جامعه به هدف تأثیرگذاری بر فرهنگ جامعه و حفاظت از شرافت انسانی در برابر حکومت است. میان جامعه مدنی و دموکراسی رابطه رفت و برگشتی برقرار است؛ به این معنا که جامعه مدنی در حرکت رفت، منجر به دموکراتیک شدن رابطه شهروند و حکومت می‌شود و دموکراسی در بازگشت جامعه مدنی را تقویت می‌کند. در ادامه و در نتیجه گسترش حیطه جامعه مدنی، زمینه مشارکت معنادار شهروندان در ابعاد گوناگون و تحقق واقعی حق تعیین سرنوشت می‌شود و به عبارت دیگر تکمیل نواقص دموکراسی اکثریتی با سوق دادن آن به دموکراسی مشارکتی برطرف می‌گردد. از طرف دیگر در اثر گسترش جامعه مدنی و در نتیجه گسترش نظارت شهروندان بر حکومت، توسعه بخش خصوصی تضمین می‌شود. به همین دلیل از اواخر دهه هشتاد میلادی و روشن شدن لزوم کاستن از حجم حکومت و هم‌زمان بهینه‌سازی رابطه حکومت، شهروندان و بخش خصوصی، جامعه مدنی دوباره به‌عنوان نماینده شهروندان در این مثلث نقش تعیین‌کننده‌ای یافت. در این شرایط توانمندسازی جامعه به‌ویژه در مورد گروه‌های اقلیت<sup>۹</sup> مانند زنان، از جمله مهم‌ترین کارکردهای جامعه مدنی است.

ارکان جامعه مدنی انواع مختلفی دارد و از جامعه‌ای به جامعه دیگر تفاوت می‌کند. کسانی که قائل به تقسیم‌بندی دوگانه حکومت - جامعه مدنی هستند، تمام نیروها، طبقات، جنبش‌های اجتماعی، گروه‌ها، سازمان‌ها، گروه‌های فشار و انجمن‌های نماینده آن‌ها را در درون جامعه مدنی قرار می‌دهند.<sup>۱۰</sup> برخی اندیشمندان، از جمله هگل، حتی خانواده را به‌دلیل جایگاهش در تولید و بازتولید الگوهای روابط اجتماعی، یک نهاد مدنی می‌دانند.<sup>۱۱</sup> به‌نظر می‌رسد چنین دیدگاهی منجر به درآمیختن زندگی خصوصی و عمومی و بازتولید شکلی از فنودالیسم شود و از طرف دیگر مثلاً در جامعه ایرانی اساساً خانواده نقش چندانی در تولید الگوهای اجتماعی ندارد. اگر قائل به تقسیم سه‌گانه، حوزه خصوصی، جامعه مدنی و حکومت باشیم و جامعه مدنی را نهاد واسط حکومت و مردم بدانیم اجزای این بخش عبارت خواهند بود از: اتحادیه‌های کارگری، مراکز مستقل مذهبی، ان‌جی.او.ها، کانون وکلای دادگستری، نظام مهندسی، نظام پزشکی، انجمن‌های دانشجویی، جنبش‌ها، محلات، تعاونی‌ها، اصناف، رسانه‌های مستقل، انجمن‌های فرهنگی و مانند این‌ها.

<sup>۷</sup> علم، همان.

<sup>۸</sup> در این خصوص تنها استثنا احزاب است که به دنبال کسب قدرتند و همین ویژگی باعث شده بسیاری معتقد به غیرمدنی بودن احزاب باشند.  
<sup>۹</sup> در تعریف اقلیت و تمیز اقلیت از اکثریت، ترکیبی از معیار عددی و میزان تأثیرگذاری در تصمیم‌گیری‌ها واجد اهمیت است و زنان با لحاظ معیار دوم در بسیاری از جوامع از جمله گروه‌های اقلیت می‌باشند.

<sup>۱۰</sup> بشیریه، پیشین، ص ۳۳۲.

<sup>۱۱</sup> Meidinger, Errol E. "Law Making By Global Civil Society: The Forest Certification Prototype", Paper Prepared For The International Conference On Social And Political Dimensions Of Forest Certification, University Of Freiburg, Germany, June 20-22, 2001, pp. 6-7.

اشکال جدید تعامل سازمان یافته شهروندان، در قالب سازمان های غیردولتی<sup>۱۲</sup> (ان.جی.او) متجلی شده است. سازمان های غیردولتی با طراحی بستر اجتماعی غیررسمی در قالب شبکه های افقی اجتماعی، به عنوان کنشگران اجتماعی به فعالیت می پردازند.<sup>۱۳</sup> سازمان غیردولتی ویژگی هایی دارد از جمله داشتن شخصیت حقوقی، ساختار غیر حکومتی (با شاخص هایی مانند استقلال مالی از حکومت، منشا غیر حکومتی، عدم عضویت افراد حکومتی به عنوان مقام حکومتی)، هدف غیرانتفاعی، غیرسیاسی بودن، داوطلبانه بودن عضویت و ساختار درونی دموکراتیک.<sup>۱۴</sup> از ویژگی های دیگر این نهادها «سازمان یافتگی» است که در کنار دارا بودن شخصیت حقوقی، سازمان غیردولتی را صرف نظر از محتوای فعالیت آن به عنوان یک قالب جدید از صورت های سنتی کار گروهی خیریه یا گروه های مطالعات جمعی و ... متمایز می کند.<sup>۱۵</sup> سازمان های غیردولتی ممکن است در سطح محلی، ملی یا بین المللی فعال باشند.<sup>۱۶</sup> همزمان با گسترش گفتمان جهانی شدن، سازمان های غیردولتی جایگاه جدیدی در جامعه مدنی جهانی یافته اند و در سطح جهانی نمایندگی شهروندان در تحقق مطالباتشان را برعهده گرفته اند و حتی در قاعده سازی حقوقی در زمینه هایی مانند استانداردسازی فنی (به ویژه در حوزه محیط زیست)، قواعد حرفه ای تولید، حقوق بشر، قواعد میان سازمانی در تشکیلات چندملیتی قواعد مربوط به داوری بین المللی و ... فعال هستند.<sup>۱۷</sup>

## ۲. وضعیت تشکل های مدنی در ایران

به دلیل کارکرد تشکل های مدنی در تحقق حق تعیین سرنوشت، بسیاری از اسناد حقوق بشری آن را به عنوان یک حق به رسمیت شناخته اند از جمله ماده بیستم اعلامیه جهانی حقوق بشر، ماده بیست و دوم میثاق حقوق مدنی و سیاسی، ماده هشتم میثاق حقوق اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی و ماده پانزدهم کنوانسیون حقوق کودک. به تبع این اسناد در ایران هم وجود تشکل های مردمی در متون قانونی به رسمیت شناخته شده است. متمم قانون اساسی مشروطه در «حقوق مردم ایران» در اصل بیست و یکم مقرر می داشت: «انجمن ها و اجتماعاتی که مولد فتنه دینی و دنیوی و مخل به نظم نباشند در تمام مملکت آزاد است ولی مجتمعی با خود اسلحه نباید داشته باشند و ترتیباتی را که قانون در این خصوص مقرر می کند باید متابعت نمایند اجتماعات در شوارع و میدان های عمومی هم باید تابع قوانین نظمیه باشند». بدیهی است که در این زمان اصطلاح جامعه مدنی در ایران شناخته شده نیست ولی بر ویژگی های آن مانند مردمی، غیر انتفاعی و داوطلبانه بودن همکاری تاکید شده است.<sup>۱۸</sup> اصل بیست و ششم قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران نیز با عبارت مشابه مقرر کرده است: «احزاب، جمعیت ها، انجمن های سیاسی و صنفی و انجمن های اسلامی یا اقلیت های دینی شناخته شده آزادند، مشروط به این که اصول استقلال، آزادی، وحدت ملی، موازین اسلامی و اساس جمهوری اسلامی را نقض نکنند. هیچ کس را نمی توان از شرکت در آنها منع کرد یا به شرکت در یکی از آنها مجبور ساخت».

به این ترتیب، سازمان های مدنی سابقه ای طولانی در نظام اجتماعی - حقوقی ما دارند و هم زمان با ورود دیگر مفاهیم

<sup>۱۲</sup> در گفتمان حقوق عمومی اصطلاح سازمان های غیرحکومتی دقیق تر است ولی این نهادها به سازمان غیردولتی معروف شده اند.

<sup>۱۳</sup> عبدالهی، احمد و ایمان، محمدتقی، ارزیابی کارکرد سازمان های غیردولتی با نمونه سازمان های زیست محیطی در ایران، *رفاه اجتماعی*، سال ۶، ش. ۲۳، ۱۳۸۵، ص ۲۷۹.

<sup>۱۴</sup> ر.ک. دولت رفتار، محمدرضا، «جایگاه و ماهیت حقوقی سازمان های غیر دولتی با تاکید بر نظام حقوقی ایران»، *مجله تحقیقات حقوقی*، ش. ۴۹، صص ۳۹۲-۴۰۷.

<sup>۱۵</sup> جهت اطلاع از تعریف نهاد های بین المللی و سازمان های غیردولتی ر.ک. گلشن پژوه، محمدرضا، *راهنمای سازمان های غیردولتی*، تهران، انتشارات مؤسسه مطالعات و تحقیقات بین المللی ابرار، چاپ یکم، ۱۳۸۶، صص. ۲۹-۳۴.

<sup>۱۶</sup> همان، ص. ۳۱.

<sup>۱۷</sup> See: Keane, John, *Global Civil Society?*, Oxford: Oxford University Press, 2001, p. 9.

<sup>۱۸</sup> ر.ک. منصورالسلطنه عدل، *حقوق اساسی یا اصول مشروطیت*، به اهتمام علی اصغر حقدار، تهران نشر چشمه، چاپ نخست، ۱۳۸۸، صص. ۱۰۵-۱۰۸.

مدرن مانند پارلمان، حاکمیت قانون، آزادی، تفکیک قوا و ... در متن‌های قانونی به رسمیت شناخته شده‌اند. ولی به‌رغم گذشت بیش از صد سال از گذار از نظام مطلقه به مشروطه، کماکان جامعه مدنی در ایران قوام نیافته است. منوچهر آشتیانی پنج علت تاریخی در توسعه‌نیافتگی جامعه مدنی در ایران را برمی‌شمارد: ۱. عدم رشد مناسبات تولیدی اقتصادی و ضعف نیروهای مولد اجتماعی و فقر و وجه تولید آسیایی که مناسبات اجتماعی و سیاسی را با وقفه مواجه نموده است؛ ۲. وجود نظام درازمدت سرکوبگر و فعال سلطنتی که قانونمندی و آگاهی اجتماعی را متلاشی کرده است؛ ۳. ورود خرافات ضدعقل به تعقل توده ملت ایران؛ ۴. رواج تصوف عوامانه از راه ادبیات و به‌ویژه شعر در جهان‌بینی مردم که نتیجه‌اش ابهام‌گرایی و تاریک‌نگری است؛ ۵. استمرار فقر و جهل سه هزار ساله؛ ۶. تبلیغ حکومتی تعبدگرایی و انجماد؛ ۷. رواج دیدگاه جبرگرایانه صفوی بر دوام حکومت.<sup>۱۹</sup> در توضیح مورد دوم، قوام نیافتن جامعه مدنی را می‌توان به علل ناکامی کار گروهی نسبت داد که ریشه در اقتدارگرایی تاریخی و گریز از هر چارچوبی (اعم از قانون و برنامه و ...) دارد و نیز فردمحوری (نه فردگرایی) نامحدود افراد که زمینه «پذیرش تفاوت» را به عنوان لازمه ایجاد گروه نابود می‌کند.<sup>۲۰</sup> بدیهی است در فقدان نهادهای مدنی، اقتدارگرایی بیش از پیش تقویت می‌شود. به این ترتیب به رغم شکل‌گیری دولت مدرن در دوران صفوی، جامعه مدنی تاکنون فراهم نشده است، تا جایی که حتی پس از به وجود آمدن دموکراسی لرزان مشروطه و بعدها تغییر شکل حکومت به جمهوری نیز به سختی می‌توان از وجود معنادار و مؤثر جامعه مدنی سخن گفت.<sup>۲۱</sup>

پس از انقلاب اسلامی علاوه بر تصریح قانون اساسی بر آزادی تشکل، مباحث تشکیل و تقویت شوراهای واگذاری مسؤلیت به مردم، محدودسازی حکومت، تقویت بخش خصوصی اقتصادی و تعاونی در کنار بخش دولتی و مانند این‌ها در قانون اساسی و دیگر قوانین که همگی دلالت بر پذیرش گسترش نقش مردم در اداره امور در نظام سیاسی جمهوری اسلامی ایران دارد ولی کماکان شاهد گسترش جامعه مدنی نیستیم. اولین مانع اساسی بر سر راه نظام اجتماعی پس از انقلاب اسلامی نبود دیدگاه نظری علمی مشترک برای اجرایی و عملیاتی کردن آرمان‌های مذکور بوده است. به دلیل همین محدودیت اساسی است که سازمان‌ها در ارتباطی شفاف با دیگر اجزای نظام اجتماعی، از جمله حکومت، قرار ندارند و مجموعه فعالیت‌های آن‌ها به لحاظ کمی و کیفی دچار اشکالات ساختاری است. این ابهام باعث شده است که فعالان مدنی و مشخصاً داوطلبان سازمان‌های غیردولتی به گردهم‌آوردی مدل‌های رایج در سطح بین‌المللی بپردازند.<sup>۲۲</sup> به عنوان توضیح در حال حاضر بسیاری از نهادهای غیردولتی و درصد قابل ملاحظه‌ای از نهادهای اجتماعی (اعم از انجمن‌های خیریه و مذهبی و ... غیر از احزاب و مطبوعات) تحت نام سازمان (یا سمن)<sup>۲۳</sup> به ثبت می‌رسند؛ یعنی صرف مردمی بودن، بدون بررسی انطباق یا عدم انطباق فعالیت مورد نظر با دیگر ویژگی‌های ساختاری سازمان‌های غیردولتی، جواز فعالیت تحت عنوان سازمان غیردولتی است و از طرف دیگر به منظور اعمال نظارت یکسان<sup>۲۴</sup> ظاهراً صورت جامعه مدنی به الگوی سازمان‌های مردم‌نهاد و مطبوعات محدود شده است. در حالی که الگوهای کار اجتماعی دیگری مانند «انجمن‌های داوطلبانه» وجود دارد. انجمن‌های داوطلبانه مانند سازمان‌های غیردولتی، از نظر مالی، اعضا و تصمیم‌گیری مستقل از

۱۹. آشتیانی، منوچهر، گفتارهایی پیرامون شناخت مناسبات اجتماعی، تهران، نشر قطره، چاپ یکم، ۱۳۸۱، ص. ۶۱.

۲۰. رک. سریع‌القلم، محمود، اقتدارگرایی ایرانی در عهد قاجار، تهران، نشر فروزان روز، چاپ نخست، ۱۳۹۰، صص. ۳۱، ۵۴ و ...

۲۱. جهت بررسی بیشتر علل ضعف جامعه مدنی در ایران: رک. کاتوزیان، محمد علی، تضاد دولت و ملت نظریه تاریخ و سیاست در ایران، تهران، نشر نی،

چاپ هشتم، ۱۳۹۰، صص. ۱۹۳-۱۹۵.

۲۲. عبدالهی، پیشین، صص. ۲۸۵-۲۸۷.

۲۳. ظاهراً «سمن» معادلی است که برای NGO در متون رسمی ذکر شده است و مخفف «سازمان مردم‌نهاد» است.

۲۴. بر سازمان‌های مردم‌نهاد در دو مرحله پیش از آغاز فعالیت و روند فعالیت نظارت می‌شود. این نهادها ابتدا ملزم به گرفتن پروانه از اداره‌هایی مانند زیر مجموعه‌های وزارت کشور، سازمان بهزیستی و سازمان ملی جوانان هستند و البته صلاحیت اداره در این خصوص گزینشی است. کیفیت نظارت بر فعالیت سمن‌ها در بند ت ماده یک آیین‌نامه اجرایی تاسیس و فعالیت سازمانهای مردم‌نهاد مشخص شده است.

حکومت عمل می‌کنند ولی بر خلاف آن‌ها ممکن است انتفاعی باشند؛<sup>۲۵</sup> به علاوه به لحاظ ساختاری به مراتب ابتدایی‌تر و بازتر از سازمان‌های غیر دولتی هستند و الزاماً ارکان سازمانی مانند هیات موسس، هیات مدیره، مجمع، بازرس و ... ندارند. در نتیجه این اختلاط، انجمن‌های مذهبی و خیریه که یکی از انواع نهادهای مردمی است و در ایران ریشه در فرهنگ ملی و مذهبی جامعه دارند ملزم به تبعیت از ساختار مدرن سازمان‌های غیر دولتی هستند؛ در حالی که برگزاری مجامع عمومی و فعالیت هیات مدیره‌ای می‌تواند نامنطبق با کارکرد آن‌ها و نیز ناهماهنگ با انتظار مخاطبان نشان باشد. به این ترتیب هم خود نمی‌توانند به ایفای نقش تاریخی بپردازند و هم با گفتمان و ابزارهای سنتی مانع از توسعه فرهنگ سازمان‌های غیردولتی به‌عنوان یک نهاد مدرن یا حتی پست‌مدرن می‌شوند و این همه ناشی از نبود دیدگاه نظری علمی است.

### ۳. اصناف به‌مثابه سنتی‌ترین نهاد جامعه مدنی

برخی معتقدند در ایران پیش از شکل‌گیری دولت مدرن و حتی از صدر اسلام جامعه مدنی وجود داشته است که همان حوزه رها شده توسط حکومت خودکامه است.<sup>۲۶</sup> صرف نظر از درستی یا نادرستی این گزاره به نظر می‌رسد اصناف سابقه‌ای کهن‌تر از جامعه مدنی داشته‌باشند و پس ایجاد این لایه واسط کارکرد خود را منطبق با وضعیت جدید بازتعریف کرده‌اند.

نظام حقوقی صنفی سه ویژگی اصلی دارد:

۱. غیرموقتی و اجباری بودن عضویت (بر خلاف نظام سندیکایی)؛

۲. غیر حکومتی بودن و اداره توسط هیئت مدیره مستقل؛

۳. ترکیب نظام حقوقی از قواعد حقوق عمومی و حقوق خصوصی<sup>۲۷</sup>

تفاوت بسیار مهم اصناف و دیگر انواع تشکلهای مدنی سابقه‌قاعده‌گذاری حقوقی است. در دوران پیشامدرن در اروپا اصناف و نهادهای مشابه نقش مهمی در ایجاد و تضمین قاعده حقوقی داشتند. با تشکیل دولت مدرن، رکن قاعده‌گذار حکومتی بسیاری از این قواعد ساخته‌شده توسط جامعه را تأیید کرد. دولت مدرن تدریجاً به سمت انحصار صلاحیت قاعده‌گذاری پیش رفت، تا جایی که تا اواخر قرن هجده میلادی فرض بر این قرار گرفت که حکومت تنها منشأ مشروعیت قاعده حقوقی است.<sup>۲۸</sup>

صنف یکی از تشکلهای بلند قدمت در ایران است. ریشه اصناف بنا بر نظری پس از ظهور اسلام و پس از ظهور قرامطه و بنا بر نظر برخی دیگر، ادوار پیش از اسلام است. در «رسائل اخوان الصفا» به قدیمی‌ترین مواضع اصناف و طبقات آن‌ها اشاره شده است.<sup>۲۹</sup> در عهد صفویه اکثر اصناف ناگزیر بودند مدت یا نوبت معینی را برای سلطان به بیگاری بپردازند. و. ژ. شاردن می‌نویسد: «آن‌هایی که از بیگاری معاف بودند در عوض وجهی به نام خراج به شاه می‌پرداختند. در این

<sup>۲۵</sup>. سرایی، حسین، قاسمی، زهرا، «گونه‌شناسی انجمن‌های داوطلبانه در ایران»، *مجله جامعه‌شناسی ایران*، دوره ۴، ش. ۴، ۱۳۸۱، ص ۲۹.

<sup>۲۶</sup>. جهت بررسی بیشتر رک. کاتوزیان، پیشین، ص. ۱۹۷.

<sup>۲۷</sup>. طباطبایی مؤتمنی، منوچهر، *حقوق اداری ایران*، تهران، انتشارات سمت، چاپ ششم، ۱۳۸۶، ص ۱۳۸.

<sup>۲۸</sup>. Meidinger, Errol E. "Law Making By Global Civil Society: The Forest Certification Prototype", Paper Prepared For the International Conference on Social and Political Dimensions of Forest Certification, University Of Freiburg, Germany, June 20-22, 2001, p. 22.

<sup>۲۹</sup>. مرکز امور اسناد و بازرگانان ایران، *تاریخچه اصناف*، قابل دسترسی در وبسایت مرکز.

دوران، برخی از اصناف مانند طیبیان، غسالان، حمامی‌ها، سلمانی‌ها، حجام‌ها، ماماها، معرکه‌گیران، درویشان و ... از پرداخت مالیات معاف بودند. هنوز لوحه‌های مشتمل بر معافیت اتفاقی یا موقت بعضی اصناف بر دیوارهای مساجد گوهرشاد مشهد، مسجد جامع یزد، مسجد شاه و مسجد جامع اصفهان باقی است.<sup>۳۰</sup> به نظر می‌رسد تا آن دوران اصناف کمتر به صورت تشکیلاتی و منظم فعال بوده‌اند و جز در اعیاد و عزاداری‌های مذهبی کمتر گردهم می‌آمده‌اند. ظاهراً از این نهاد به عنوان ابزاری جهت گرفتن مالیات استفاده می‌شده و نقش مشارکتی و حمایتی قابل توجهی نداشته‌اند.

صنف پیش از انقلاب مشروطه از جمله سازمان‌های محلی شهرهای بزرگ است. این اصناف کدخدایانی (رئیس صنف) غالباً انتخابی و گاه موروثی داشتند و روش‌های ماهرانه‌ای به کار می‌بردند تا تفاوت‌های میان صنف خود و مشاغل دیگر را مشخص کنند و اختلافات میان استادان، شاگردان و اعضای صنف خود را حل و فصل کنند. اعضای اصناف شاگردان را از میان بستگان خود استخدام می‌کردند؛ موازین و مقررات شغلی را در مورد اعضا اجرا می‌کردند؛ قهوه‌خانه، گرمابه، بازار، زورخانه و حتی گورستان خاص خود را داشتند و رموز خاصی برای حفظ اسرار فن و صنعت خود به کار می‌بردند و در مجموع جوامع بسته‌ای بودند.<sup>۳۱</sup> یعنی به رغم متشکل شدن و برخورداری از بسیاری از ویژگی‌های یک نهاد جامعه مدنی، مهم‌ترین ویژگی را که همان پل ارتباطی میان جامعه و حکومت است ندارند و بر عکس تلاش می‌کنند از هر گونه ارتباطی به دور باشند. جنبش مشروطه خواهی و تحولات پس از آن (به ویژه عرفی سازی) به انزوای اصناف پایان داد. با ایفای نقش بازاریان و تجار در انقلاب مشروطه و گرفتن حق تشکل پس از انقلاب انتظار می‌رود نظارت به صورت غیرحکومتی و از مجرای صنفی اعمال شود و اصناف بتوانند مانند قبل در تعیین نرخ کالا و مالیات قاعده گذاری کنند. ولی برعکس اجتماعی شدن بهانه‌ای شد برای اعمال محدودیت بر اصناف و اعمال محدودیت بیش تر و در نتیجه نارضایتی بیشتر و حضور سیاسی - اجتماعی گسترده تر.

نظارت مستقیم حکومت بر اعضای اصناف پیش از متشکل شدن آن‌ها سابقه طولانی دارد.<sup>۳۲</sup> از جمله اولین نمونه‌های رسمی محدودسازی پس از مشروطه، صدور «قانون الغای مالیات‌های صنفی» در آذر ۱۳۰۵ است که مخالفت شدید بازاریان را برانگیخت. بعد از این دوره قوانینی برای رسیدگی به مسائل و امور صنفی و نظم بخشیدن به فعالیت‌های اصناف به تصویب رسید که عمدتاً شهرداری و انجمن شهر مجری آن‌ها بود؛ برای مثال ماده سی و پنج قانون تشکیل شهرداری‌ها و انجمن شهرها و قصابات مصوب چهارم مرداد ۱۳۲۸ مقرر می‌دارد: «وظایف انجمن شهر و قصبه به قرار زیر است: [بند پنج] رفع اختلافات صنفی در صورت مراجعه از طرف شهرداری یا اصناف؛ ... بند پانزده) تصویب نرخ خواربار؛ بند شانزده) تصویب نرخ سایر نیازمندی‌های عمومی و خدمات با موافقت وزارتخانه‌های کار و اقتصاد».

به این ترتیب حل اختلافات درونی به رغم پیشینه تاریخی از صلاحیت اصناف خارج شد. ماده سی و نه همین قانون چنین مقرر می‌دارد: «از وظایف شهرداری [بند ۳] مراقبت در اجرای نرخ‌های مصوب انجمن و مراقبت کامل در ارزانی و فراوانی مواد مورد احتیاج عمومی و جلوگیری از فروش اجناس فاسد و معدوم نمودن آن‌ها [است]... [بند ۱] تهیه و تکمیل مقررات صنفی و پیشنهاد آن به انجمن شهر و مراقبت در امور صحی آن‌ها». در آبان ۱۳۳۳ هیئت وزیران آیین‌نامه مجمع عمومی اتحادیه‌های صنفی و بازرگانی را به تصویب رساند. این آیین‌نامه به منظور اصلاح و بهبود امور بازرگانی و صنفی

<sup>۳۰</sup> همان.

<sup>۳۱</sup> آبراهامیان، یرواند، *ایران بین دو انقلاب*، ترجمه احمد گل محمدی و دیگران، تهران، نشر نی، چاپ شانزدهم، ۱۳۸۹، صص ۳۰ و ۳۱.

<sup>۳۲</sup> ر. ک. مرکز امور اسناد و بازرگانان ایران، *تاریخچه نظارت بر بازار*، قابل دسترسی در وبسایت مرکز.

و تمرکز سازمان آن‌ها و نیز همکاری نزدیک بین بازرگانان و اصناف وابسته به امور بازرگانی و بنگاه‌های اقتصادی و دستگاه‌های حکومتی و شهرداری در تهران و شهرستان‌هایی که به تشخیص حکومت اهمیت بازرگانی داشته باشند تصویب و به موجب آن جمعیتی به نام «مجمع عمومی اتحادیه‌های صنفی و بازرگانی» تشکیل شد. سپس به موجب ماده بیست و سه قانون اتاق‌های بازرگانی مصوب هفتم دی ۱۳۳۳ و آیین‌نامه اجرای آن در تکمیل آیین‌نامه عضویت اتاق بازرگانی تهران و اتحادیه‌های صنفی بازرگانانی به تصویب وزارت اقتصاد ملی مقرر گردید انتخابات اتحادیه‌های صنفی بازرگانی تحت نظارت فرماندار تهران به عمل آید و به این ترتیب که فرماندار تهران در مورد هر صنف انجمن نظارتی مرکب از پنج نفر از معتمدین آن صنف که در دفتر صنفی ثبت نام کرده و به امانت و درستی معروف باشند تشکیل دهد که در انجام انتخابات آن صنف نظارت نمایند. وزارت کشور به استناد ماده چهل و دو قانون شهرداری، در ۱۳۳۴ آیین‌نامه‌ای مطابق بند شانزده از قانون مذکور تحت عنوان «آیین‌نامه اتحادیه‌های اصناف» تصویب کرد که در واقع دستورالعملی اجرایی برای تشکیل سازمان‌های صنفی بود که تلویحاً ارتباط میان سازمان‌های صنفی و اصناف را تعیین کرد. کمیسیون خاص رسیدگی به لایحه نظام صنفی در ۱۳۵۰ با حضور نمایندگان دولت وقت تشکیل گردید و اصلاحات انجام شده روی این لایحه توسط مجلس سنا پس از بررسی مورد تصویب قرار گرفت. از این تاریخ سازمان صنفی به عنوان یک سازمان مستقل در کشور ایجاد شد و این سازمان را اتاق اصناف نامیدند. «اتاق اصناف وسیله هیئت ریسه‌ای اداره می‌شود که در اولین جلسه اتاق اصناف از بین اعضا اتاق به مدت دو سال انتخاب می‌شوند، انتخاب مجدد آن بلامانع است».<sup>۳۳</sup> تشکیلات اتاق اصناف کمیسیون نظارت بود. «کمیسیون نظارت با عضویت فرماندار، نماینده وزارت کار و امور اجتماعی، نماینده وزارت تعاون و امور روستاها، نماینده انجمن شهر، نماینده انجمن شهرستان، نماینده اتاق اصناف و شهردار به ریاست فرماندار تشکیل می‌شود و تصمیمات با دستکم چهار رأی معتبر خواهد بود». ترکیب کمیسیون با عضویت چهار عضو حکومتی و ریاست یکی از آن‌ها نامستقل است و با رأی مثبت این چهار عضو تصمیمات معتبر خواهد بود. نظارت مذکور از نوع استصوابی است و ناظر اختیارات وسیعی در مصلحت‌سنجی و رد تصمیمات اتاق دارد. با تشکیل اتاق اصناف تهران شورای عالی اصناف منحل و وظایف و اختیاراتی که در سایر قوانین به عهده شورای مزبور گذارده شده بود به اتاق اصناف تهران سپرده شد. دارایی و تعهدات شورای عالی اصناف از هر قبیل از تاریخ تشکیل اتاق اصناف تهران به اتاق مذکور واگذار گردید و همچنین از زمان تصویب قانون مذکور مقرر گردید نمایندگان اتحادیه‌های مربوط به جای نماینده اتحادیه بازرگانان و پیشه‌وران وظایف آن‌ها را برعهده گیرند. بنابراین تا این زمان نمی‌توان اصناف را نماینده واقعی جامعه و مستقل از حکومت فرض کرد.

قانون امور صنفی کشور مصوب ۱۳۸۲ علاوه بر صنف، پنج نهاد دیگر را هم تعریف می‌کند:

اتحادیه: «شخصیتی حقوقی است که از افراد یک یا چند صنف که دارای فعالیت یکسان یا مشابه‌اند، برای انجام دادن وظایف و مسئولیت‌های مقرر در این قانون تشکیل می‌گردد».

مجمع امور صنفی: «مجمعی است که از نمایندگان منتخب اعضای هیئت‌مدیره اتحادیه‌های صنفی هر شهرستان برای انجام دادن وظایف و مسئولیت‌های مقرر در این قانون تشکیل می‌شود».

شورای اصناف کشور: «شورایی است که از نمایندگان هیئت‌رئیس مجامع امور صنفی شهرستان‌های کشور با هدف

<sup>۳۳</sup>. ماده ۲۶ قانون نظام صنفی، مصوب ۱۳۵۰/۳/۱۶.

تقویت مبانی نظام صنفی در تهران تشکیل می‌گردد».

کمیسیون نظارت: «کمیسیونی است که به منظور برقراری ارتباط و ایجاد هماهنگی بین اتحادیه‌ها و مجامع امور صنفی با سازمان‌ها و دستگاه‌های دولتی در راستای وظایف و اختیارات آن‌ها و همچنین نظارت بر اتحادیه‌ها و مجامع امور صنفی هر شهرستان تشکیل می‌شود».

هیئت عالی نظارت: «هیئتی است که به منظور تعیین برنامه‌ریزی، هدایت، ایجاد هماهنگی و نظارت بر کلیه اتحادیه‌ها، مجامع امور صنفی، شورای اصناف کشور و کمیسیون‌های نظارت تشکیل می‌گردد و بالاترین مرجع نظارت بر امور اصناف کشور است».

بنابراین اولین حلقه اتصال صنف به حکومت اتحادیه است، در درجه بالاتر مجمع امور صنفی است که از نمایندگان اتحادیه‌ها تشکیل شده و «ترتیب انتخاب هیئت ریسه مجامع امور صنفی، وظایف هیئت ریسه، طرز تشکیل جلسات و تعداد کمیسیون‌های آن و سایر مقررات مربوط به اداره مجامع و حواله خدمات آن‌ها طبق آیین‌نامه‌ای [است] که توسط دبیرخانه هیئت عالی نظارت با کسب نظر از مجامع امور صنفی مراکز استان‌ها تهیه و به تصویب وزیر بازرگانی خواهد رسید».<sup>۳۴</sup> بنابراین یکی از وزرا بر تشکیل این نهاد نظارت استصوابی دارد.

«کمیسیون نظارت در شهرستان‌های مراکز استان‌ها و در سایر شهرستان‌های هر استان با ترتیب زیر تشکیل می‌گردد: الف- در شهرستان‌های مراکز استان‌ها - مدیران کل یا رؤسای سازمان‌های زیر: بازرگانی (رییس کمیسیون)؛ امور اقتصادی و دارایی. بهداشت، درمان و آموزش پزشکی. دادگستری. نیروی انتظامی؛ رئیس شورای شهر؛ شهردار؛ رؤسای مجامع امور صنفی؛ نماینده مطلع و تام‌الاختیار استانداری.

ب - در سایر شهرستان‌های هر استان - رؤسای ادارات: بازرگانی (رییس کمیسیون)؛ امور اقتصادی و دارایی. بهداشت، درمان و آموزش پزشکی. دادگستری. نیروی انتظامی؛ رییس شورای شهر؛ شهردار؛ رؤسای مجامع امور صنفی؛ نماینده مطلع و تام‌الاختیار فرمانداری یا بخشداری».<sup>۳۵</sup>

به موجب ماده پنجاه و سه همین قانون، هیئت عالی با ترکیبی شبیه کمیسیون در سطح وزرا تشکیل می‌شود. روشن است که در سلسله مراتب متعدد نظارت بر اصناف نهادهای حکومتی نقش پررنگی دارد.

#### ۴. شکل‌های زنان به‌مثابه یکی از مدرن‌ترین نهادهای جامعه مدنی

از ۱۸۶۹ که *استوارت میل* کتاب «انقیاد زنان» را نوشت تاکنون، جنبش زنان یکی از فراگیرترین حرکت‌های اجتماعی است. دیگر جنبش‌ها مانند برابری‌خواهی سیاهان، حمایت از حقوق کودکان، کارگران، اقلیت‌های نژادی، مذهبی، سیاسی و ... مدتی پس از ایجاد و طرح مسأله موفقیت‌هایی به دست می‌آوردند و خاموش می‌شوند؛ ولی کمتر نقطه‌ای از جهان را می‌توان نام برد که وضعیت زنان به سطح مطلوب رسیده باشد. به همین دلیل جنبش زنان به‌رغم گذشت بیش از دو بیست سال کماکان «جنبش» شمرده می‌شود و گسترده و فعال است و در حال حاضر به یکی از دغدغه‌های مشترک شهروندان در سطح جهانی تبدیل شده است.

<sup>۳۴</sup> ماده ۳۶ قانون نظام صنفی کشور مصوب ۸۲/۱۲/۲۴

<sup>۳۵</sup> ماده ۴۸ قانون نظام صنفی کشور مصوب ۸۲/۱۲/۲۴

در ایران، خروج اولیه زنان از حوزه خصوصی با تحولات منجر به مشروطه گره خورده است. در رابطه با نقش سیاسی - اجتماعی زنان در ایران معاصر و از جمله در مشروطه سه دیدگاه وجود دارد:

نخست، زنان در دوران معاصر همانند پیش از آن نقش چندانی نداشته اند و اگر هم در گوشه و کنار تاریخ از آنان سخنی باشد، حاشیه ای و کم رنگ است؛

دوم، زنان در تاریخ معاصر نقش داشته اند ولی این نقش مثبت و ارزنده نبوده است و اغلب آنان به ایفای نقش حرم سرایی، مفسده انگیز و روشنفکری غیردینی پرداخته اند؛

سوم، زنان در صد سال اخیر نقش تعیین کننده داشته اند، ولی این نقش به دلیل عدم دسترسی کافی به امکانات چاپ و نشر چندان برجسته نشده است.

در دوران پیش از مشروطه، زنان عمدتاً به پاسداشت ارزش های مذهبی و تحت تأثیر علمای اسلامی به میدان می آمدند؛ از آن جمله حادثه گریبایدف<sup>۳۶</sup> و جنبش تنباکو است.<sup>۳۷</sup> نقش زنان در جریان مشروطه به مراتب پررنگ تر از پیش از آن است؛ برای نمونه، گروه های سری تشکیل می دهند (که اطلاع زیادی از آن در دسترس نیست)، در درگیری های مسلحانه شرکت می کنند و حتی مستقیماً با شخص اول مملکت مقابله می کنند. البته کماکان حضور آنان بیشتر متأثر از فرامین علمای مذهبی است. پس از پیروزی مشروطه، زنان برای اولین بار خواسته داشتن تشکل را از طریق نماینده اصفهان در مجلس اول طرح کردند. نمایندگان به سه گروه مخالف حضور اجتماعی زنان به طور کلی، موافق حضور ولی نگران از ایجاد فساد در جامعه و موافق حضور و مقابله با تشکل در فرض فساد انگیزی تقسیم شدند و در نهایت قانونی شدن تشکل های زنان رأی نیاورد.<sup>۳۸</sup> از جمله نمایندگان دسته سوم و کیل الرعایا نماینده همدان بود که به دفاع از مشارکت سیاسی و اجتماعی زنان برخاست ولی نطق او که به تعبیر یکی از علما و هن اسلام بود نه تنها مورد توجه واقع نشد بلکه در نشریات هم انعکاس نیافت.<sup>۳۹</sup> به همین ترتیب زنان با ماده چهارده نظام نامه انتخاباتی حق رأی را نیز به دست نیاوردند و بنابراین می توان گفت حرکات مردمی زنان نتیجه عینی برای آنان در پی نداشت.

اقدام رسمی برای بهبود موقعیت زنان در ۱۳۱۳ بلافاصله پس از بازدید شاه از ترکیه آغاز شد. مؤسسات آموزشی، به ویژه دانشگاه تهران، درهای خود را به روی دختران گشودند. اماکن عمومی مانند کافه ها، هتل ها، سینماها در صورت قائل شدن تبعیض جنسیتی می بایست جریمه های سنگین پرداخت می کردند. سازمان های فرهنگی که جایگزین انجمن زنان وطن پرست و حزب سوسیالیست شده بود به فعالیت پرداختند و مهم تر از همه دستور کشف حجاب بود. از ۱۳۱۴ اگر مقام عالی رتبه ای بدون همسر بی حجاب خود در میهمانی های رسمی حضور می یافت احتمالاً مقام خود را از دست می داد. البته کماکان نظام قانونی تأمین کننده برابری جنسیتی نبود و مردم اقدامات این چنینی را سرکوب تلقی می کردند تا آزادی.<sup>۴۰</sup> در ۱۳۲۲ حزب توده با تشکیل سازمان زنان برای اعضای حزب و انجمن زنان برای هواداران در این حیطه فعال شد. سپس

۳۶. جریان بازگرداندن زنان گرجی اسیر شده در جنگ با روسیه.

۳۷. شیرودی، مرتضی، «نقش سیاسی اجتماعی زنان در جامعه معاصر ایرانی»، پژوهش زنان، دوره ۳، شماره ۲، تابستان ۸۴، صص ۷۶-۷۵.

۳۸. همان، ص. ۸۶.

۳۹. ساناساریان، الیز، جنبش حقوق زنان در ایران، ترجمه نوشین احمدی خراسانی، تهران، نشر اختران، چاپ یکم، ۱۳۸۴، ص. ۴۵.

۴۰. آبراهامیان، پیشین، ص. ۱۷۹.

تشکیلات دموکراتیک زنان جایگزین آن دو شد. به‌رغم تشکیل فقط ۳/۴ درصد از اعضای حزب توده از زنان، حزب توده تنها سازمان سیاسی بود که از بسیج زنان در راه احقاق حقوق‌شان دفاع می‌کرد و نشریه «بیداری ما» را صرف نظر از انگیزه‌های احتمالی سیاسی، مختص زنان چاپ می‌کرد.<sup>۴۱</sup>

از دوران پهلوی دوم زنان به‌صورت مستقل، متشکل و رسمی تبدیل به کنشگر اجتماعی می‌شوند. از اواسط دهه سی شمس، فعالیت‌های سازمانی زنان به دو دسته عمده امور نیکوکاری و امور رفاهی تقسیم شد و تنها تعداد اندکی به دنبال مطالبات حقوقی و مشارکت سیاسی-اجتماعی زنان بودند.<sup>۴۲</sup> بنابراین اگر در ابتدای مشروطه فعالیت زنان به‌طور کلی مضموم بود و در دوران پهلوی اول به‌عنوان یک حرکت ضدسلطنت محدود می‌شد، پهلوی دوم در جهت متمرکز کردن آن زیر یک سازمان مرکزی (ابتدا شورای عالی جمعیت زنان و سپس سازمان زنان) گام برداشت.

از دهه چهل شمس مسأله حقوق زنان تبدیل به ابزار و موضوع داغ منازعات سیاسی شاه و مخالفان او شد. اوج این جدال را می‌توان در اعطای حق رأی به زنان در ۱۳۴۱ و اقدامات شریف امامی دید. به هر حال نهایتاً در هشتم اسفند ۱۳۴۱ زنان ایران برای اولین بار از حق انتخاب کردن و انتخاب شدن برخوردار شدند. از دیگر دستاوردهای زنان تصویب قانون حمایت خانواده و محدودیت چندهمسری مردان و مقید شدن حق طلاق آنان است.

بعد از انقلاب اسلامی، جدال جریان‌های انقلابی بر سر مسائل زنان ادامه یافت. انقلاب جوان از یک طرف به‌دنبال اثبات خود در سطح بین‌المللی بود و از طرف دیگر نمی‌توانست از احکام شرعی چشم‌پوشی کند. اصطلاحات دوپهلویی مانند «رجال مذهبی و سیاسی» در اصل صد و پانزدهم قانون اساسی به شهادت مذاکرات مجلس خبرگان قانون اساسی فرزند همین تضاد است. از اواسط دهه هفتاد شمس، سازمان‌های غیردولتی زیادی با محوریت زنان تشکیل شدند و از طرف دیگر نظام قانون‌گذاری ایران واکنش‌های گوناگون و بعضاً غیر قابل پیش‌بینی در امور زنان داشته است. قانون مدنی در باب خانواده اصلاحات عدیده‌ای داشته است؛ مانند اصلاح ماده ۲۶۵ در رابطه با استحقاق زن به اجرت‌المثل کارهای خانگی، ماده ۱۰۸۲ و محاسبه مهریه به نرخ روز، ماده ۹۴۶ در مورد سهم‌الارث زوجه از ماترک زوج و تعریف نفقه در ماده ۱۱۰۷. تغییر قانون حمایت خانواده و به ویژه دو ماده ۲۲ و ۲۳ آن در قالب لایحه حمایت خانواده قوه قضاییه در هیئت دولت نیز از جمله آخرین تحولات نظام قانون‌گذاری در حوزه زنان است. اعتراض به طرح این لایحه در مجلس هشتم از نادر تجربیات تاریخی زنان ایرانی است که آنان را در طیف گسترده‌ای از زنان مسلمان تا سکولار هم‌صدا کرد.<sup>۴۳</sup>

هدف تشکیل‌های اجتماعی فعلی زنان را می‌توان به سه دسته تقسیم کرد: نخست، کسب هویت و استفاده از جنسیت زنانه به‌عنوان یک ویژگی مشترک، مانند انجمن زنان فارغ‌التحصیل تاریخ، این انجمن‌ها معمولاً در امور زنان یک گروه خاص فعالیت می‌کنند؛ دوم، انجمن‌های رفاهی ارائه‌کننده خدمات به زنان در وضعیت بد مانند سالمندان و نیازمندان؛ سوم،

۴۱. همان، صص ۴۱۳ - ۴۱۲.

۴۲. ساناساریان، پیشین، ص ۱۲۴.

۴۳. در آخرین روزهای سال ۱۳۹۰ این لایحه به تصویب مجلس رسید و جهت بررسی به شورای نگهبان فرستاده شد و تا زمان نگارش این مقاله شورای نگهبان نظر خود را اعلام نکرده است.

توانمندسازی زنان و بسترسازی مشارکت معنادار زنان در امور اجتماعی.<sup>۴۴</sup>

قاعدتاً گسترش گفتمان جهانی شدن و جهانی شدن مسأله زنان بر فعالیت‌های زنان در ایران تأثیر گذاشته و به آن بار علمی و مطالعاتی بیشتری داده است. بدین ترتیب انتظار می‌رود فعالیت زنان بیشتر از نوع دسته سوم یعنی توانمندسازی باشد؛ ولی در واقع اوضاع قدری متفاوت است. تحقیقی در تهران در سال ۱۳۸۲ انجام شد که انواع زمینه‌های مشارکتی زنان را به شش دسته انقلابی، مدنی، حمایتی، فرهنگی - تفریحی، محلی و مذهبی - خیریه‌ای تقسیم کرد. نتیجه تحلیل داده‌ها نشانگر آن بود که مشارکت اجتماعی هفتاد درصد زنان در سطح پایینی است و تنها سی درصد زنان را می‌توان فعال اجتماعی نامید که مشارکت آنان نیز عمدتاً مبتنی بر زمینه‌های سنتی مانند امور خیریه است که ریشه در فرهنگ کهن ایرانی - اسلامی دارد و نه مناسبات جامعه مدرن. مشارکت زنان جوان نیز بیشتر بر بعد تفریحی - فرهنگی متمرکز است.<sup>۴۵</sup> بنابراین کماکان مانند پیش از مشروطه، عامل مذهب نقش برجسته‌ای در کنش جمعی زنان دارد.

## نتیجه‌گیری

در ایران پس از صد سال، به نظر می‌رسد جامعه مدنی کماکان در مراحل آغازین تکوین خود، آن گونه که توسط متفکرینی مانند دورکیم و توکویل تعریف شده است، قرار دارد. ضعف جامعه مدنی دلایل فرهنگی - تاریخی دارد: مانند عمق ضعف مالکیت خصوصی و شکل نگرفتن طبقات اجتماعی، رواج خرافه‌پرستی و عزلت‌گزینی. دلایل عینی این ناکامی را می‌توان در قالب موارد زیر برشمرد:

۱. جامعه مدنی، بخش واسط بین شهروندان و حکومت است؛ ولی در نظام حقوقی ایران در بسیاری از موارد، نهادهای سومی به ایفای وظیفه وساطت میان جامعه مدنی و حکومت می‌پردازند: مانند خانه سازمان‌های مردم نهاد، خانه اصناف، کمیسیون نظارت و مانند این‌ها. به این ترتیب عملاً با حذف و ناممکن شدن رابطه مستقیم فرد و حکومت و محول شدن این وظیفه به نهادهای مدنی رابطه بین جامعه و حکومت کمتر می‌شود.

۲. گفتمان و ادبیات جامعه مدنی در سطح دانشگاهی باقی مانده و به متن زندگی اجتماعی راه نیافته است. بنابراین بسیاری به عمد یا سهو نام فعالیت اقتصادی یا سیاسی خود را مدنی می‌گذارند و به این ترتیب آشنایی عمومی با آن را به تأخیر می‌اندازند. از طرف دیگر اطلاعات دانشگاهی هم فرصت سنجیده شدن در عمل و انطباق یافتن با شرایط فرهنگی حاکم بر جامعه ایرانی را نیافته است.

۳. اقتصادی شدن فضای جامعه مدنی از یک طرف و ابزار کسب منزلت اجتماعی شدن از طرف دیگر، یعنی پیگیری منافع فردی به نام نهادهای مدنی، منجر به رقابت‌های ناسازنده و دلسردی و حتی بی‌اعتمادی شهروندان شده است.

<sup>۴۴</sup> ر.ک.: مقیمی، محمد، «بررسی ارتباط میان کارآفرینی اجتماعی و اثربخشی عملکرد در سازمان‌های غیردولتی زنان»، *مطالعات زنان*، سال اول، ش. ۲، ۱۳۸۶، صص.

<sup>۴۵</sup> شادی‌طلب، ژاله، «مشارکت اجتماعی زنان»، *پژوهش زنان*، سال ۳، ش. ۷، ۱۳۸۲، ص ۱۷۲.

## منابع

۱. آبراهامیان، یرواند، *ایران بین دو انقلاب*، ترجمه گل محمدی، فتاحی و لیلایی، تهران، نشر نی، چاپ شانزدهم، ۱۳۸۹.
  ۲. آشتیانی، منوچهر، *گفتارهایی پیرامون شناخت مناسبات اجتماعی*، تهران، نشر قطره، چاپ یکم، ۱۳۸۱.
  ۳. بشیری، حسین، *جامعه‌شناسی سیاسی نیروهای اجتماعی در زندگی سیاسی*، تهران، نشر نی، چاپ شانزدهم، ۱۳۸۷.
  ۴. دولت‌رفتار، محمدرضا، «جایگاه و ماهیت حقوقی سازمان‌های غیردولتی با تأکید بر نظام حقوقی ایران»، *مجله تحقیقات حقوقی*. ص. ۴۹.
  ۵. ساعی، علی، *دموکراتیزاسیون در ایران*، تهران، انتشارات آگاه، چاپ یکم، ۱۳۸۶.
  ۶. ساناساریان، الیز، *جنبش حقوق زنان در ایران*، ترجمه نوشین احمدی خراسانی، تهران، نشر اختران، چاپ یکم، ۱۳۸۴.
  ۷. سرایی، حسین و قاسمی، زهرا، «گونه‌شناسی انجمن‌های داوطلبانه در ایران»، *مجله جامعه‌شناسی ایران*، دوره ۴. ش. ۴، ۱۳۸۱.
  ۸. سریع‌القلم، محمود، *اقتدارگرایی ایرانی در عهد قاجار*، تهران، نشر فروزان روز، چاپ نخست، ۱۳۹۰.
  ۹. شادی‌طلب، ژاله، «مشارکت اجتماعی زنان»، *پژوهش زنان*، سال ۳، ش. ۷، ۱۳۸۲.
  ۱۰. شیروودی، مرتضی، «نقش سیاسی اجتماعی زنان در جامعه معاصر ایرانی»، *پژوهش زنان*، دوره ۳، شماره ۲، تابستان ۱۳۸۴.
  ۱۱. طباطبایی موثمنی، منوچهر، *حقوق اداری ایران*، تهران، انتشارات سمت، چاپ ششم، ۱۳۸۶.
  ۱۲. عبدالهی، احمد و ایمان، محمدتقی، «ارزیابی کارکرد سازمان‌های غیردولتی با نمونه سازمان‌های زیست‌محیطی در ایران»، *رفاه اجتماعی*، سال ۶، ش. ۲۳، زمستان ۱۳۸۵.
  ۱۳. علم، محمدرضا، «بررسی موانع تاریخی استقرار جامعه مدنی در ایران با تکیه بر ناکارآمدی نخبگان»، *پژوهش‌نامه دانشکده ادبیات*، ش. ۳۸.
  ۱۴. کاتوزیان، محمد علی، *تضاد دولت و ملت نظریه تاریخ و سیاست در ایران*، تهران، نشر نی چاپ هشتم، ۱۳۹۰.
  ۱۵. گلشن‌پژوه، محمدرضا، *راهنمای سازمان‌های غیردولتی*، تهران، انتشارات مؤسسه مطالعات و تحقیقات بین‌المللی ابرار، چاپ یکم، ۱۳۸۶.
  ۱۶. مقیمی، محمد، «بررسی ارتباط میان کارآفرینی اجتماعی و اثربخشی عملکرد در سازمان‌های غیردولتی زنان»، *مطالعات زنان*، سال اول، ش. ۲، ۱۳۸۶.
  ۱۷. منصورالسلطنه عدل، *حقوق اساسی یا اصول مشروطیت*، به اهتمام علی‌اصغر حقدار، تهران نشر چشمه، چاپ نخست، ۱۳۸۸.
  ۱۸. وب سایت مرکز امور اسناد و بازرگانان ایران.
19. Keane, John, *Global Civil Society?* London: Oxford University Press, 2001.
20. Meidinger, Errol E. "Law Making By Global Civil Society: The Forest Certification Prototype", Paper Prepared For the International Conference on Social and Political

Dimensions of Forest Certification, University Of Freiburg, Germany, June 20-22, 2001.

21. Meidinger, Errol E. "Law Making By Global Civil Society: The Forest Certification Prototype", Paper Prepared For the International Conference on Social and Political Dimensions of Forest Certification, University Of Freiburg, Germany, June 20-22, 2001.

